

# آثار فردی و اجتماعی حیا

فریبا محمدی<sup>۱</sup>

## چکیده

حیا یکی از مکارم مهم اخلاقی است که ریشه در فطرت و خلقت انسان دارد و یکی از کلیدی ترین عوامل بازدارنده ی فرد و جامعه از آلودگی ها و انحرافات اخلاقی است و در نقطه ی مقابل، حیا محرکی است جهت انجام اعمال شایسته و پسندیده، لذا در حفظ حریم ها بسیار سازنده است. همانطور که آثار و پیامدهای هر پدیده ای ارزش و اهمیت آن را ثابت می کند بررسی آثار حیا می تواند نقش مهم و ارزشمندی در نهادینه کردن این فضیلت انسانی داشته باشد. هدف این مقاله تبیین آثار فردی و اجتماعی حیا است که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. انسان می تواند با حفظ این گوهر ارزشمند درونی و فطری خود را از رذایل و آلودگی ها حفظ و به فضایل عالیّه اخلاقی مزین نماید. این مقاله با استفاده از روش نقلی و حیانی و توصیفی از طریق کتابخانه جمع آوری شده است.

**واژگان کلیدی:** آثار، حیا، عفت

---

۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه مهدیه خنداب.

## مقدمه

همواره یکی از دغدغه های فکری شخص مسلمان این است که چگونه کرامت توأم با عزت نفس پیدا کند یا به عبارتی با استفاده از چه راهکارهایی خود را به فضایل اخلاقی متصل و چگونه از زشتی ها و عیوب مختلف دور نماید و یا با استفاده از چه فاکتورها و اهرم هایی می توان روابط فردی و اجتماعی را توأم با وقار و اخلاق اسلامی نمود.

بدیهی است که یکی از مهم ترین راه های رسیدن به کرامت و عزت نفس حیا است. حیا در آموزه های دینی دارای جایگاه خاصی است و یکی از مهم ترین عوامل خود نظم دهی از دیدگاه اسلام است و برتری آن به این جهت است که نه مبتنی بر ترس است و نه مبتنی بر طمع، بلکه مبتنی بر احترام به خود است که بر اساس آن وقتی فرد خود را در حضور شخصی کریم بیابد از ارتکاب زشتی ها خودداری و رفتار خود را تنظیم می کند. انسان به میزان کرامتی که از آن برخوردار است، شرم دارد که به زشتی ها آلوده شود و یا از زیبایی ها محروم گردد. بنابراین حیا می تواند در رأس نظام مهار کننده و نظم دهنده ی انسان قرار گیرد و شاید به همین دلیل است که خداوند متعال پیش از آن که مردم را به خوف از خود فراخواند به حیا فراخوانده است. حال این سؤال مطرح می شود که آثار فردی و اجتماعی حیا چیست؟ نوشتار حاضر در صدد است آثار فردی و اجتماعی حیا را بررسی نماید و از این رهگذر جوینده را به کسب این فضیلت انسانی رهنمون نماید.

با توجه به تحقیقات و جستجوهای که انجام شد، منابعی یافت شد که در آن ها به ابعاد مختلف حیا پرداخته شده است، اما هیچ کدام به طور اختصاصی به آثار فردی و اجتماعی حیا نپرداخته اند. کتبی مانند: پژوهشی در فرهنگ حیا از عباس پسندیده، حیا از امیرحسین بانکی پور فرد و مقالاتی مانند: خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث از علی خادم پیر، حیا و ثمرات آن از منظر آیات و روایات از عطیه مرادی. تلاش بر این است که آثار فردی و اجتماعی حیا با استفاده از منابع بیشتری مورد بررسی قرار داده شود و به صورت کامل و جامع ارائه شود.

## مفهوم شناسی

### آثار

آثار جمع اثر<sup>۱</sup> و در لغت به معنای نشانه ها، علامت ها<sup>۲</sup> و بازمانده از یک شیء است<sup>۳</sup>. آثار به معنای مقدم داشتن، یاد کردن و نشانه گذاشتن برای باقی مانده از یک شیء است<sup>۴</sup>. در کتب لغت ماده ی «اثر» به معنای رسم و نشانه آمده است<sup>۵</sup>.

آثار در اصطلاح عبارت است از آنچه از فاعل در منفعل گذارده و یا افاضه می شود<sup>۶</sup>. حکمت مترتبه بر هر چیز، معلول هر علت، غرض و غایت مترتب بر اشیاء و کیفیتی که از فاعل مختار یا موجب در منفعل گذارده می شود را آثار آن می نامند<sup>۷</sup>. آثار پیدایش چیزی است که بر وجود یک شیء دلالت می کند<sup>۸</sup>.

### حیا

حیا از مفاهیم پربار و با اهمیت در اخلاق و معارف اسلامی می باشد که از ریشه «ح ی و» یا «ح ی ی» گرفته شده است<sup>۹</sup> و به معنای شرم داشتن<sup>۱۰</sup> و آزر و خجالت است که در مقابل آن بی شرمی و وقاحت قرار دارد<sup>۱۱</sup>. حیا در لغت عفت و عفاف است<sup>۱۲</sup> و شخص با حیا

---

۱. نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۱، ص ۱۳.

۲. دهخدا، لغت نامه، ج ۱، ص ۲۱.

۳. زبیدی، تاج العروس، ج ۶، ص ۶.

۴. ابن فارس، معجم المقایس اللغة، ص ۵۳.

۵. جوهری، الصحاح تاج اللغة، ج ۲، ص ۵۷۵.

۶. صلیبا، فرهنگ فلسفی، ص ۱۱۴.

۷. احمد نگری، جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۳۰.

۸. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۶۲؛ طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۲۰۲.

۹. فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۳۱۷.

۱۰. مصطفی، معجم الوسیط، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱۱. دهخدا، لغت نامه، ج ۹، ص ۱۶۷۷.

۱۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۴۲۹.

یعنی عفیف و خجول.<sup>۱</sup> حیا خودداری نفس از زشتی ها و ترک آنهاست،<sup>۲</sup> حیا به عنوان پوششی برای روح انسان در مقابل پرده دری است و همچنین یکی از امتیازات انسان نسبت به حیوانات شمرده شده است.<sup>۳</sup>

حیا در اصطلاح به معنای محدودیت و در تنگنا افتادن نفس و شرم داشتن از ارتکاب محرمات شرعی و عقلی و عادی است از ترس نکوهش و سرزنش و این از صفات شریف نفس است.<sup>۴</sup> حیا به نوعی حالت روانی یا انفعال و انقباض نفسانی گفته می شود که موجب متانت و وقار در رفتار، حرکات و سکنت انسان شده و همچنین موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است.<sup>۵</sup>

## عفت

عفت از فضایل اخلاقی<sup>۶</sup> به معنای پاکدامنی، پارسایی، پرهیزگاری<sup>۷</sup> و خویشتن داری از آنچه زببنده و حلال نباشد<sup>۸</sup> و بازداشتن و منع خود از محرمات است.<sup>۹</sup> عفت به ایجاد حالتی در نفس اشاره دارد که انسان به وسیله آن از غلبه شهوات<sup>۱۰</sup> و از انجام محرمات به ویژه شهوات حرام دوری می کند.<sup>۱۱</sup> عفت در معنایی عام بر دوری کردن از هر چیزی که حلال نیست اطلاق شده است.<sup>۱۲</sup>

---

۱. معلوف، المنجد فی اللغة، ص ۱۶۵.

۲. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۱۷۸.

۳. تهرانی، ادب الهی، ص ۸۷.

۴. ابن فارس، معجم المقایس اللغة، ص ۱۲۲.

۵. ابن مسکویه، تهذیب الاخلاق، ج ۱، ص ۴۱؛ طوسی، اخلاق ناصری، ص ۷۷.

۶. نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۸۵.

۷. نفیسی، فرهنگ نفیسی، ج ۴، ص ۲۳۷۶.

۸. فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۹۲.

۹. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۲.

۱۰. دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۸۵۳.

۱۱. انوری، فرهنگ سخن، ج ۱، ص ۹۸.

۱۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۵۹.

عفت در اصطلاح ملکه ای نفسانی است که قوه ی شهویه انسان را مطیع عقل قرار می دهد به گونه ای که تحت امر و نهی آن باشد، یعنی آن جا که عقل مصلحت می داند اقدام کند و آن جا که عقل در آن مفسده می بیند پرهیز کند و هیچ گاه با اوامر و نواهی عقل مخالفت نکند.<sup>۱</sup>

عفت در اصطلاح اخلاق، به معنی خویشتن داری در برابر تمایلات افراط گونه نسبت به لذت های مادی و نفسانی، که نقطه مقابل شهوت است گفته می شود.<sup>۲</sup>

## اهمیت حیا

حیا در روایات اسلامی از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است. در برخی احادیث حیا تا آنجا اهمیت یافته که لباس اسلام<sup>۳</sup> و خلقی که اسلام با آن شناخته می شود<sup>۴</sup> معرفی گردیده و به افراد توصیه شده که حیا را میزانی برای سنجش اعمال خود قرار دهند.<sup>۵</sup> همچنین حیا، صداقت، امانت داری و حسن خلق چهار خصلتی دانسته شده اند که به اتفاق یکدیگر موجب تکمیل ایمان انسان و ورود وی به جرگه ی مؤمنان می شوند<sup>۶</sup>. اما برتری اهمیت حیا در این باب با حدیث مشهور «لا ایمان لمن لا حیاء له»؛ «هر که حیا ندارد ایمان ندارد»<sup>۷</sup> به اوج می رسد و با روایتی تأیید می شود که بر اساس آن زایل شدن ایمان شخص، با سلب حیا از او آغاز می شود.<sup>۸</sup> بنابراین می توان حیا را توفیق الهی دانست<sup>۹</sup> که بر اساس اعمال بندگان از جانب خداوند به آنان عطا می گردد یا از آنان سلب می شود. با تبیین آثار حیا در زندگی فردی و اجتماعی می توان به اهمیت و جایگاه مهم آن پی برد.

---

۱. نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۶؛ ابن شعبه، تحت العقول عن آل الرسول، ج ۱، ص ۵۲.

۴. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۹۹.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۶۵.

۶. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۹۹۱۰؛ ابن شعبه، تحت العقول عن آل الرسول، ج ۱، ص ۳۶۹.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۰۶.

۸. ابن ماجه، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۴۷.

۹. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۱۱.

## نتیجه گیری

بررسی آثار فردی و اجتماعی حیا در زندگی انسان نشان می دهد که این فضیلت مهم و ارزشمند اخلاقی در بهبود کیفیت زندگی فردی و اجتماعی انسان دخیل است و باعث می شود که انسان از ارتکاب اعمال قبیح خودداری ورزد. با یادآوری آثار عفت و حیا، شناخت و عمل به این فضیلت فراموش شده، رفتاری های بشر امروزی حل می گردد و قفل های زندگی گشوده می شود و به دام افتادگان هوا و هوس در سایه ی عفت و حیا طعم شیرین آزادی و بندگی پروردگار را خواهند چشید. آثار فردی حیا شامل؛ تسلط بر نفس، آرامش روحی و روانی، رونق بندگی و طاعت می باشد. ایجاد ارتباط سالم و پایدار، مسئولیت و وظیفه شناسی، تحکیم پیوند خانوادگی آثار اجتماعی حیا است.

انسان خردمند با رعایت این فضیلت زندگی لذت بخشی را برای خودش فراهم می کند و مسیر رشد، شکوفایی و تکامل را می پیماید و در نهایت به اوج بندگی و رضایت الهی دست می یابد.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه

۱. ابراهیمی، محمد حسین، ترجمه ابراهیمی، قم: تأمین، چاپ اول، ۱۳۹۴ ه.ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، مترجم: علی اکبر میرزایی، قم: علویون، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۷ ه.ش.
۳. \_\_\_\_\_، من لا یحضره الفقیه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۴. ابن شعبه، حسن بن علی، تحت العقول، مترجم: صادق حسن زاده، قم: آل علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: علی شیری، بیروت/ لبنان: دارالفکر، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.
۶. احسان بخش، صادق، آثار الصادقین، گیلان: ستاد برگزاری نماز جمعه، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه.ش.
۷. احمد بن فارس، ابوالحسین، ترتیب المقاییس اللغه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
۸. احمدنگری، عبدالنبی بن عبدالرسول، جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون، بیروت/ لبنان: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ه.ق.
۹. امدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالحکم، مصحح: مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۰. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.

۱۱. تهرانی، مجتبی، **ادب الهی**، تهران: مصابیح الهدی، چاپ هشتم، ۱۴۰۱ ه.ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل، **الصحاح اللغة**، تهران: امیری، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.
۱۳. حرزاده، محمد مهدی، **حیا زیبایی بی پایان**، قم: شفق، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، تهران: دانشگاه تهران/ روزنه، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **مفردات الفاظ القرآن**، تهران: مرتضوی، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ ه.ش.
۱۶. زبیدی، محمد مرتضی، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تهران: عطارد، چاپ اول، ۱۳۹۱ ه.ش.
۱۷. صلیبا، جمیل، **فرهنگ فلسفی**، تهران: حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۹۳ ه.ش.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸ ه.ش.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد، **معجم الکبیر**، مصر/ قاهره: مکتبه ابن تیمیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.ق.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الاخلاق**، قم: الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ ه.ش.
۲۱. طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
۲۲. طوسی، نصیرالدین، **اخلاق ناصری**، مصحح: مجتبی تهرانی، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۴۶ ه.ش.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن، **تهذیب الاحکام**، مصحح: علی آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ ه.ش.
۲۴. \_\_\_\_\_، **امالی**، مترجم: صادق حسن زاده، قم: اندیشه هادی، چاپ دوم، ۱۳۹۴ ه.ش.



۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، **العین**، محقق: ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ه.ق.
۲۶. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ ه.ش.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافی**، مصحح: محمد آخوندی، تهران: دارالکتاب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۲۸. گیلانی، عبدالرزاق، **مصباح الشریعه**، مصحح: رضا مرندی، تهران: پیام حق، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ ه.ش.
۲۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحارالانوار**، مصحح: هدایت الله مسترحمی، بیروت/ لبنان: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ ششم، ۱۴۰۳ ه.ق.
۳۰. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم: مرکز النشر، چاپ دوم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۳۱. مسکویه، احمد بن محمد، **تهذیب الاخلاق**، محقق: عماد هلالی، مترجم: صلاح الدین سلجوقی، تهران: مؤسسه انتشارات عرفان، چاپ اول، ۱۳۹۴ ه.ش.
۳۲. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.
۳۳. مصطفی، ابراهیم، **المعجم الوسیط**، ترکیه/ استانبول: دارالدعوه، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.
۳۴. معلوف، لوئیس، **المنجد فی اللغة**، بیروت/ لبنان: دارالمشرق، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
۳۵. نراقی، مهدی بن ابی ذر، **جامع السعادات**، مترجم: کریم فیضی، قم: قائم آل محمد، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳۶. نفیسی، علی اکبر، **فرهنگ نفیسی**، کرمان: مانوش، چاپ اول، ۱۳۹۹ ه.ش.

۳۷. نوری، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسایل**، بیروت/ لبنان: دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.

۳۸. هندی، حسام الدین، **کنز العمال**، لبنان/ بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۹ ه.ق.